

رهبری آموزشی در سازمان آموزشی از منظر اسلامی

□ محمدلطیف مطهری *

چکیده

رهبری در سازمان آموزشی از منظر اسلام مباحثی است که در سازمان و علوم مدیریتی مطرح شده است و اولین مرتبه با انقلاب اسلامی این واژه در علوم روز به کار گرفته شد. اما این که رهبر سازمان آموزشی چه اصول و ویژگی هایی داشته باشد. وظایف رهبر در سازمان آموزشی از دیدگاه اسلام چیست. گرچه این موضوع در معارف اسلامی بیان شده اما به صورت مستقل مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین سعی دارم دیدگاه اسلام را از بین همین آموزه های اسلامی استخراج کند. نیل به این هدف، از طریق تحلیلی، توصیفی و شیوهی جمع آوری اطلاعات، کتابخانه ای می باشد. آنچه از تعالیم اسلامی به نظر می رسد این است که مشورت، عدالت، سعهی صدر، تعهد، اعتدال، اسلام اساس تشریع از اصول رهبر و قدرت، امانت دار، عالم، الگو، بردباری از صفات رهبر و برنامه ریزی، سازمان دهی، هدایت، نظارت و تصمیم گیری از وظایف رهبر سازمان آموزشی است. **کلیدواژه ها:** رهبری، سازمان، رهبری آموزشی، سازمان آموزشی.

مفهوم‌شناسی

قبل از بیان مفهوم رهبری آموزشی باید چند نکته روشن شود تا بتوان معنای دقیقی ارائه داد، یکی از این نکات، عدم تمرکز رهبری در یک نفر است به عبارتی امروزه تصور این که رهبر آموزشی، باید در یک نفر منحصر شود، تلقی و باوری غلط است بلکه در سازمان آموزشی، رهبر آموزشی، تمام کسانی هستند که در سازمان آموزشی، مشغول فعالیت آموزش می‌باشند. اما چیزی که در این پژوهش مورد نظر می‌باشد رهبر آموزشی است و این که حقیقتاً رهبر باید چند نفر باشد مورد بحث نیست لذا برای مصون ماندن از این اختلاف آراء، در این پژوهش رهبری آموزشی طبق یک عنوان حقوقی یا طبق قضیه حقیقیه فرض می‌شود. از جمله وظایف یک رهبر آموزشی این است که شرایطی را فراهم کند که بتوان در آن از تجربیات یکدیگر بهره بجوید برای بهبود بخشیدن به فرآیند فعالیت‌های آموزشی یا این که سبب بروز شکوفایی یا خلاقیت و ابتکار در فعالیت‌های آموزشی بشود. بر مبنای این تشریح وظیفه، باید اذعان کرد که اصلی‌ترین عمل یک رهبر آموزشی دستور دادن نیست بلکه ایجاد فضایی است که در آن بتواند حس همکاری و مساعدت را رشد بدهد، لذا مفهوم آموزشی را می‌تواند این گونه تعریف کرد که رهبری آموزشی یعنی به دیگر افرادی که در سازمان آموزشی مشغول هستند در جهت ایجاد فرصت‌های بهتر برای آموختن و آموزاندن، یاری برساند. (کیمبل وایلز، ترجمه دکتر محمد علی طوسی، ۱۳۸۴ ش، ص ۶)

برای روشن شدن مفهوم سازمان آموزشی، ابتدا باید مفهوم سازمان روشن بشود، برای سازمان تعاریف متعددی بیان شده است که در این جا به دو تعریف بسنده می‌شود، در یکی از تعاریف آمده است:

سازمان عبارت است از هماهنگی معقول تعدادی از افراد که از طریق تقسیم وظایف و برقراری روابط منظم و منطقی، برای تحقق هدف با منظور مشترکی، به طور مستمر، فعالیت می‌کنند». (علاقه بند، علی، ۱۳۸۴)

در یک تعریف دیگر آمده است:

سازمان عبارت است از وجود هماهنگی معقول در فعالیت‌های گروهی از افراد

برای نیل به هدف یا منظور مشترکی از طریق تقسیم کار و وظایف و از مجرای سلسله مراتب و اختیار و مسئولیت قانونی (جاسبی، عبدالله. ۱۳۷۳)

از تعاریف بالا می‌توان به نکات مشترک آن اشاره کرد که عبارت است از: ۱) سازمان یک گروه اجتماعی است، ۲) حیطه کاری مشخص، ۳) داشتن اهداف معین، ۴) نظم و ساختار معین

لذا در هر تعریفی که این چهار نکته در آن اخذ شده باشد می‌توان آن را تعریف سازمان دانست. در تعریف سازمان آموزشی می‌توان همین تعریف سازمان را ذکر کرد با این تفاوت که اهداف در سازمان‌ها آموزشی بهتر شدن تعلیم و تربیت است، لذا می‌توان گفت سازمان آموزشی مکانی است که وظایف انتقال فرهنگ و شکوفا سازی آن، پرورش همه جانبه فرد و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص را بر عهده دارد و در آن دانش آموزانی برای گذراندن دوره‌های آموزشی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت به این مراکز می‌آیند. به طور کلی می‌توان گفت که سازمان آموزشی مکانی است که در آن «تعلیم و تربیت» جریان دارد.

واژه بعدی که باید مورد توجه قرار بگیرد، تعریف اسلام است، این پژوهش به دنبال این است که رهبری آموزشی را از منابع اسلامی معرفی کند و به عبارتی با تکیه بر آیات قرآن و روایات سعی دارد رهبری آموزشی در سازمان‌های آموزشی را تبیین کند، لذا مقصود از اسلام همان دین و آیینی است که از سوی خداوند متعال و پیامبر اکرم ﷺ آمده است و تمام مسلمانان به آن ملتزم هستند و تمام مذاهب اسلامی در آن با یکدیگر اختلافی ندارند.

«هو الدين الذي بلغه عن الله سبحانه و تعالى نبينا محمد بن عبد الله ﷺ و الملتزم به مسلم و الجمع مسلمون لا يختلف في ذلك جميع المذاهب.» (صدر، شهید، سید محمد، ۱۴۲۰ هـ ق، ج ۸، ص ۵۰۸)

اهمیت رهبری آموزشی

سازمان‌های آموزشی را می‌توان در دو سطح فردی و سازمانی مورد بررسی قرار داد، برای مثال سازمان آموزشی چه اجزایی باید داشته باشد و این اجزاء هر کدام چه برنامه‌هایی باید داشته باشند؟ ولی عنوان پژوهش، ساختار این پژوهش را به سوی سطح فردی سوق می‌دهد زیرا پژوهش به دنبال تبیین رهبری آموزشی است. رهبر یک سازمان آموزشی توانایی دگرگونی یک

سازمان آموزشی را دارد (فرنچ، وندال؛ اچ بل، سیسیل، ۱۳۸۲) یک رهبر، اصول و ویژگی‌هایی را باید داشته باشد و علاوه بر آن وظایفی هم دارد که با رعایت آن می‌تواند یک سازمان آموزشی را بهتر اداره کند.

در سازمان‌های آموزشی سه عنصر معلم، شاگرد و روش تعلیم مورد توجه قرار می‌گیرد اما می‌توان رهبری آموزشی را به عنوان عنصر چهارم معرفی کرد و یک رهبر آموزشی موفق باید با مولفه‌هایی مانند اصول رهبری، وظایف، مسئولیت‌ها و اهداف آشنا باشد. (محمود. محمد علی، ۲۰۰۲م، ص ۵۹) رهبری یک سازمان، در حقیقت ابزار تصمیم‌گیرنده یک سازمان، وسیله‌ای برای تنظیم برنامه‌ها، نقش‌هدایتگری برای رسیدن به اهداف سازمان، مرجع عالی برای پاسخگویی و کنترل برنامه‌ها و کسی است که می‌تواند تهدیدها و مشکلات را به فرصت‌ها و پیشرفت‌ها تبدیل کند و موارد متعدد دیگری که بیانگر اهمیت رهبری یک سازمان آموزشی است (teri tala.. 2018-9-7. Edited).

بدون شک با ورود مفهوم سازمان آموزشی، رهبری آموزشی نیز وارد شده است زیرا اساساً نمی‌توان سازمان را بدون رهبر متصور شد اما رهبری آموزشی در سازمان آموزشی از منظر اسلام، رویکردی نو بود، بعد از پیروزی انقلاب و با اولین سازمان آموزش و پرورش به نوعی رهبری آموزشی در سازمان آموزشی از منظر اسلام وارد جامعه‌ی علمی ایران شده است.

اصول رهبری در اسلام

در این مقاله سعی بر این است که اصول رهبری در اسلام را بیان کند تا یک رهبر آموزشی با پیروی از این اصول بتواند بر اساس تعالیم اسلامی یک سازمان را رهبری کند. در این بخش چند اصل مورد توجه قرار می‌گیرد که به این اصول اشاره می‌شود.

۱. اسلام مبدأ قوانین و دستورات

یکی از ارکان هر سازمان، قوانینی وضع شده در آن سازمان است، این قوانین توسط رهبر و یا مدیر وضع می‌شود و این بسیار مهم است که منشأ قوانین وضع شده چیست؟ بدون شک هر چه قدر منابع وضع قانون عاری از اشتباه و خطا باشد به همان میزان قوانین نیز کمتر دچار خطا

خواهند شد، اصل اول این است که رهبر باید قوانین را از اسلام اخذ کند، یکی از تفاوت‌های اساسی بین رهبری اسلامی با رهبری غربی در منشأ دستورات و قوانین است، زیرا رهبر اسلامی از آموزه‌های وحیانی و رهبری غربی از تجارب و دانش‌های عقلی استفاده می‌کند، لذا در قوانین اسلامی کمتر تغییر و تحول مشاهده می‌شود برخلاف قوانین غربی، اما آیا این تغییرات به نوعی یک نقص محسوب می‌شود که سعی داریم از آن اجتناب کنیم؟ ارزش‌های یک جامعه هر چه قدر ثبات داشته باشند همان مقدار یک جامعه‌ی آرمانی را به ارمغان می‌آورند، ولی ذکر این نکته نباید فراموش بشود که در آموزه‌های اسلام، حداقل میزان خطا در آنها بسیار پایین است و بشر همیشه سعی دارد در وضع قوانین به گونه‌ی رفتار کند که جامعه یا همان سازمان را به اهداف از پیش تعیین شده خود برسد. اساساً رهبر باید در راستای اهدافی که سازمان تعریف و تعیین کرده حرکت کند و سازمان اسلامی چیزی را هدف قرار می‌دهد که تعالیم اسلامی از او خواسته اند و رسیدن به این اهداف در چارچوبی ممکن است که قوانین اسلامی رعایت بشود.

از سوی دیگر با مروری در آیات قرآن و روایات اسلامی درمی‌یابیم که اسلام از مسلمانان خواسته فقط دستوراتی را اجرا کنند که در تعالیم اسلامی آمده است و قوانینی از پیش خودشان نصب نکنند چنان که خداوند متعال فرمود: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا» (احزاب، آیه ۳۶) در این آیه خداوند از تمام مومنان می‌خواهد که بر اساس قوانین اسلام حرکت کنند و برخلاف دستور الهی عمل کردن باعث گمراهی می‌شود. برخی مفسرین قضاء در این آیه را همان تشریع و قانون گذاری می‌دانند: «يشهد السياق على أن المراد بالقضاء هو القضاء التشريعي دون التكويني فقضاء الله تعالى حكمه التشريعي في شيء مما يرجع إلى أعمال العباد أو تصرفه في شأن من شئونهم بواسطة رسول من رسله». (طباطبایی سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۶، ص ۳۲۱) و در کنار این آیه می‌توان به این روایت پیامبر ﷺ نیز اشاره کرد که فرمود: «وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ نَهَى عَنِ الشَّفَاعَةِ فِي الْحُدُودِ وَقَالَ مَنْ شَفَعَ فِي حَدٍّ مِنَ حُدُودِ اللَّهِ لِيَبْطِلَهُ وَ سَعَى فِي إِبْطَالِ حُدُودِ اللَّهِ تَعَالَى عَذَبَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۴۴۳) در این روایت نیز شدیداً نهی

شده از افرادی که در صدد ابطال قوانین الهی را دارند. با تکیه بر مطالب فوق بر یک رهبر اسلامی، الزامی است که قوانین را از تعالیم اسلامی بگیرد و حتی نمی‌تواند از خود، قانونی را وضع کند.

۲. مشورت

از دیدگاه اسلام رهبری و مدیریت جامعه اسلامی به مشورت و گرفتن آرای دیگران نیاز دارد، مشورت در نظام اسلامی یک اصل و پایه است، به ویژه برای کسی که رهبر می‌باشد، صریحا دستور به مشورت داده شده است، جایی که خداوند فرمود: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران، آیه ۱۵۹)

از نکات مهم در مشورت این است که در تشریع و قانون گذاری نمی‌توان مشورت گرفت، زیرا قانون گذار در اسلام معین است؛ پس مشورت در چه کاری باید صورت بگیرد؟ در نوع اجرای قانون می‌توان آرای دیگران را اخذ کرد و آن را سنجید و این در اجرای قوانین یک سازمان برای رهبر سازمان مهم تلقی می‌شود.

۳. عدالت

عدالت نقش غیر قابل انکاری برای موفقیت یک رهبر در اداره جامعه و سازمان دارد، اسلام در تمام امور مانند برخورد با فرزندان و همسران از مومنان می‌خواهد با عدالت رعایت کنند. با رعایت عدالت در یک سازمان، امکانات و منابع برابر برای ترقی و پیشرفت تمام افراد فراهم آورده می‌شود اما معیار در عدالت، برابری و مساوات نیست بلکه ملاک، صلاحیت و استحقاق افراد است، اصل عدالت باید در تمام ارکان و شئون اداره امور جاری بشود تا اهداف یک سازمان تحقق یابد. امیرالمومنین (علیه السلام) در زمانی که به خلافت رسیدند، یکی از نگرانی‌ها خود را عدم توزیع عادلانه‌ی اموال دولت اعلام می‌کنند و در نامه‌ی به مالک اشتر می‌فرمایند: «وَلَكِنِّي أَسَى أَنْ يَلِيَ هَذِهِ الْأُمَّةَ أَمْرٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ سُفَهَاوُهَا وَفُجَارُهَا فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ دُولًا وَ عِبَادَهُ خَوْلًا وَ الصَّالِحِينَ حَرْبًا» (شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۵۲) در این نامه امام می‌فرمایند که لکن از این اندوهناکم که نادان‌ها، و تبهکاران این

امت، حکومت را به دست آورند، آنگاه مال خدا را دست به دست بگردانند، و بندگان او را به بردگی کشند، با نیکوکاران در جنگ، و با فاسقان همراه باشند.

در این کلام امام علیه السلام از عدم توزیع عادلانه بیت المال و قدرت در بین کسانی که شایسته نیستند، بسیار نگران هستند و نبود عدالت را به نوعی سبب تباهی اداره دولت می دانند.

۴. فرمانبری سلسله مراتب

اطاعت از مافوق امری است که در اداره یک سازمان و یا یک حکومت بسیار ضروری است، پیروی از این اصل سبب می شود که هرج و مرج ایجاد نشود، ثانیاً تمام افراد یک سازمان با هم هماهنگ باشند تا اهداف سازمان و یا یک حکومت قابل دستیابی باشد این اصل مشتمل بر دو اصل است: (۱) اصل وحدت فرماندهی که همه ی افراد سازمان از یک نفر باید اطاعت کنند، (۲) اصل سلسله مراتب که در آن افراد سازمان از کسی که ما فوق خودشان هستند فقط اطاعت می کنند، در قرآن و کلمات معصومین، اشاراتی به این اصل شده است که در ذیل به دو نمونه اشاره می شود، خداوند در قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (سوره النساء، آیه ۵۹) در این آیه خداوند به اصل سلسله مراتب اشاره می کند و از بندگان می خواهد که از خداوند سپس از پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد از ایشان از اولی امر اطاعت کنند و در نامه امام علی علیه السلام به اشعث پسر قیس، فرماندار آذربایجان به لزوم اطاعت و پیروی از مافوق اشاره شده است: «وَ إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ، وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ، وَأَنْتَ مُسْتَرَعَى لِمَنْ فَوْقَكَ» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۲۱) در این نامه امام علیه السلام کاری که بر ذمه ی تو هست طعمه ی برای تو نیست، ولی امانتی بر گردن تو است، و از تو خواسته شده تا فرمانبردار ما فوق خود باشی.

لزوم اطاعت در تعالیم اسلامی، اصلی است که برای رهبر، اداره یک سازمان، اساس انضباط، سبب انسجام، نظم و عامل قدرت یک سازمان را به ارمغان می آورد.

۵. سعه ی صدر

رحمت و مهربانی، باید به همراه قاطعیت باشد و این اصل سبب ایجاد فضایی می شود که

افراد یک سازمان بدون فشار می‌توانند در پی دستیابی به اهداف سازمان باشند و شهرت پیامبر ﷺ اسلام در میان فرستادگان الهی به همین ویژگی بود، به مراتب در سیره پیامبر ﷺ و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) مشاهده شده که در برابر نامالایمات و سختی‌ها با روی خوش پیش می‌رفتند و سعی می‌کردند این مشکلات را باسعه‌ی صدر حل کنند، پیامبر ﷺ فرمود:

الرَّفْقُ رَأْسُ الْحِكْمَةِ اللَّهُمَّ مَنْ وَلِيَ شَيْئًا مِنْ أُمُورِ أُمَّتِي فَزَفَقْ بِهِمْ وَ
مَنْ شَقَّ عَلَيْهِمْ فَاشْقُقْ عَلَيْهِ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۲۵۹) (رفق رأس حکمت

است، خدایا هر کس که سرپرستی بخشی از امور امت مرا بعهده گرفت و با آنها با مدارا رفتار کرد، تو نیز با او مدارا کن، و هر کس که بر آنها سخت گرفت تو نیز بر او سخت بگیر.

عدم سعه‌ی صدر و احیانا برخورد تند و اهانت در برابر آرای مخالف از آسیب‌های مدیریت است، مدیر باید در برابر انتقادات و بیان مشکلات، از خود رفق و مدارا نشان بدهد تا بتواند چارچوب یک سازمان را به خوبی اداره کند.

۶. مسئولیت‌پذیری

درست و خوب انجام دادن مسئولیت‌های هر فرد در اموری که به او واگذار شده است را مسئولیت‌پذیری گویند، خود رهبر به نوعی سرلوحه‌ی عمل دیگران است، اگر مسئولیت خود که همان اداره یک سازمان است، درست انجام بدهد و از افراد سازمان بخواهد که وظایف خود را انجام بدهند در این صورت حقی از کسی ضایع نمی‌شود. برای این که افراد یک سازمان نتوانند از زیر مسئولیت شانه خالی کنند باید به دنبال مدیر و رهبری بود که مسئولیت آنچه را انجام می‌دهد بر عهده بگیرد. مسئولیت‌پذیری باید در تمام افراد یک سازمان وجود داشته باشد اما هر چه قدر دایره اختیارات فرد در سازمان گسترش پیدا کند به همان مقدار باید مسئولیت‌پذیری او هم بالا برود. امام علی (علیه‌السلام) در نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخَّ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ق، ص ۱۲۷).

امام، حس مسئولیت مالک اشتر را بر همگان تعمیم می‌دهد و می‌فرماید مسلمان هر

کجای این دنیا که باشد، نمی‌تواند بی توجه از درد دیگران بگذرد، بلکه به عنوان یک مدیر و رهبر نباید مسئولیت خود را حتی در برابر غیرمسلمان فراموش کند.

۷. میانه‌رو

میانه روی و اعتدال در رهبر سبب می‌شود که تمایل به یک طرف وجود نداشته باشد و این عدم تمایل یعنی نجات یا همان موفقیت سازمان و به نوعی در ایجاد یکدلی در بین افراد یک سازمان بسیار موثر است، سرانجام روش اعتدال، موفقیت و تضمین در رسیدن به اهداف است با آنکه تشویق و تقدیر از افراد کار خوبی است، ولی در همین هم اعتدال مطلوب است گاهی خشم و تندى بی مورد، موجب نفرت و گریز می‌شود. نرمش بی اندازه هم افراد را گستاخ می‌کند و هیبت انسان را از بین می‌برد. در اسلام نیز بر این اصل بسیار تاکید شده است و امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لَنْ يَهْلِكَ مَنْ اقْتَصَدَ». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۵۵۵)

لذا با اعتدال سازمان از شکست دور می‌ماند و هم سبب اتحاد در بین افراد سازمان می‌گردد.

ویژگی‌های رهبر در اسلام

وجود رهبر از نیازهای اساسی یک جامعه به شمار می‌آید، زیرا رسیدن به هدف بدون رهبر و مدیر امکان پذیر نیست و به همین علت است که خداوند رسل و انبیاء را فرستاد تا راهنما و مصباح الطريق باشند. رهبر یک جامعه باید دارای صفات و ویژگی‌هایی باشد به این علت که آموزه‌های اسلامی رهبر را به عنوان مقام خلافت الهی معرفی کردند. در این قسمت برخی صفات لازم برای رهبر بیان می‌شود.

۱. قدرت

منظور از قدرت، داشتن سلامتی بدن و صحت جسم است و عاری بودن از هر نوع بیماری و معلولیت البته در ذیل همین، قدرت ایمان و قدرت روحی نیز شامل می‌شود و علاوه بر این رهبر باید یک جایگاه مناسب اجتماعی نیز داشته باشد، پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ الْقَوِي كَالنَّخْلَةِ وَ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ كَخَامَةِ الزَّرْعِ». (شعیری، محمد بن محمد، ص ۱۸۳)

بدون شک رهبری که قدرتمند و قاطع باشد از مدیری که مسامحه و سهل انگاری داشته باشد به مراتب افضل است و افراد سازمان نیز سعی می‌کنند در انجام دستورات مطیع باشند.

۲. امانت دار

همیشه امانت به معنای حفظ اموال نیست بلکه حفظ اطلاعات و اسرار یک سازمان، مصداقی از امانت داری است. عدم اخذ رشوه و اعتدال در توزیع بیت المال نیز به معنای امانت دار بودن است و از دید اسلام، امانت داری در مورد رهبر یک جامعه بسیار مهم تلقی شده است، چنان که صحابه‌ی به پیامبر ﷺ عرض کرد: مقامی در حکومت به من بدهید اما پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّكَ ضَعِيفٌ، وَ إِنَّهَا أَمَانَةٌ (وَالْأَمَانَةُ ثَقِيلَةٌ) وَ إِنَّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِزْيٌ وَ نَدَامَةٌ، إِلَّا مَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا وَ آدَّى الَّذِي عَلَيْهِ فِيهَا» (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۹، ص ۲۸۵) تو ضعیف هستی، و این پستها امانت است و روز قیامت مایه رسوائی و پشیمانی می‌گردد، مگر کسی که آن را به حق بگیرد، و وظیفه خود را درباره آن ادا کند. برای جلوگیری از خیانت یا تبانی رهبر و مدیر، راه صحیح این است که اطمینان به صحت عمل آنها از طریق ویژگیهای عقیدتی و اخلاقی و فرهنگی که بر مدیران و فرماندهان حاکم است حاصل گردد؛ و این تنها راه مطمئن و قابل اعتماد برای پیشگیری از تخلفات است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹ ص ۱۳۶).

۳. عالم

برای یک مدیر یا رهبر در اداره سازمان داشتن تمام علوم و مهارت‌ها لازم نیست ولی باید در حیطه کاری خود علم لازم را باید داشته باشد، برای نمونه رهبر آموزشی باید آگاهی‌های لازم در مورد روشهای تدریس، علوم تربیتی، روانشناسی و ... داشته باشد. در قرآن به همین ویژگی اشاره شده است، هنگامی که طالوت به عنوان زمامدار معرفی شد برخی بر این انتخاب اشکال کردند، پیامبر خدا طالوت را انتخاب الهی برای پادشاهی دانست و عالم بودن و قدرت جسمانی او را علت این انتخاب بیان کرد: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (سوره بقره، آیه ۲۴۷) این بیانگر اهمیت علم در قیادت و رهبری یک سازمان است.

۴. الگو

در سازمان اگر رهبر سازمان، کاری را از افراد می‌خواهد که خودش آن را انجام نمی‌دهد سبب کاهش انگیزه و حسن نیت در میان افراد سازمان می‌شود. رهبر در حقیقت الهام بخش افراد است و این صفت از دید اسلام باید درون هرکسی که در صدد ایفای نقش هبری یک جامعه هست، باشد، چنان که قرآن فرمود: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (سوره احزاب، آیه ۲۱) ایفای نقش رهبر به عنوان یک الگو سبب ایجاد تصویر مثبت در ذهن افراد سازمان می‌شود.

۵. صبر و بردبار

معمولاً چالش‌ها و مشکلات برای رهبر از هر طرف پیش می‌آید و رمز عبور از این مراحل صبر و بردبای رهبر است. گاهی اوقات افراد مافوق مدیر، فرامینی می‌دهند که از توان رهبر خارج است ولی با صبر کردن می‌توان در دستورات تعدیل ایجاد کرد. مدیر با صبر، اولاً توان تحمل افکار مخالف را افزایش می‌دهد، ثانیاً سبب دوی از ناامیدی می‌شود. این ویژگی در سازمان‌های آموزشی که رسیدن به هدف بسیار کند پیش می‌رود، نمود بیشتری دارد، این صفت در سیره پیامبر ﷺ به عنوان رهبر یک جامعه برجستگی خاصی داشت چنان که آورده اند: «لَمَّا كَانَ يَوْمَ حُنَيْنٍ أَثَرَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَاسًا أُعْطِيَ الْأَقْرَعُ بْنُ حَابِسٍ مِائَةً مِنَ الْإِبِلِ وَأُعْطِيَ عَيْنُهُ مِثْلَ ذَلِكَ وَأُعْطِيَ نَاسًا، فَقَالَ رَجُلٌ: مَا أُرِيدَ بِهَذِهِ الْقِسْمَةِ وَجَهَ اللَّهِ، فَقُلْتُ لِأَخْبِرَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: «رَحِمَ اللَّهُ مُوسَى قَدْ أُؤْذِيَ بِأَكْثَرٍ مِنْ هَذَا فَصَبِرَ» (ولی، محمد عبدالعزیز، ص: ۱۷۵ و ابن اسحاق، محمد، ج ۲، ص: ۶۰۴) در ایام جنگ حنین پیامبر اکرم ﷺ بعضی از مردمان را ترجیح داد، به اقرع بن حابس صد شتر و به عینه همچون آن داد و به مردمانی دیگر بخشید. در ادامه کسی به این نوع تقسیم اعتراض نمود و این اعتراض به گوش پیامبر ﷺ رسید و ایشان فرمود: «خداوند موسی را رحمت کند، بیشتر از این آزار دید و صبر کرد».

با توجه به تعالیم اسلامی صبر، تحمل، پشتکار و سماجت برای رسیدن به اهداف و مقاصد یک سازمان یا جامعه لازم و ضروری است.

وظایف رهبر آموزشی در سازمان آموزشی از منظر اسلام

برای رهبری یک سازمان در علوم روز، ابعادی تعریف شده است که متخصصان علم مدیریت، برای هر رهبر پنج وظیفه اصلی ذکر کرده اند این وظایف عبارتند از: الف) برنامه‌ریزی، ب) سازماندهی، ج) هدایت و راهنمایی، د) نظارت، ه) تصمیم‌گیری، در این بخش این وظایف از منظر اسلام مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. برنامه‌ریزی

بنیاد اصلی رهبری یک سازمان آموزشب برنامه‌ریزی است و برنامه‌ریزی عنصری برای ترسیم آینده است که احتمال دستیابی به اهداف را بالا می‌برد. شاید اصطلاح برنامه‌ریزی در تعالیم اسلامی پیدا نشود ولی همین عمل در آن زمان جریان داشت چنان که در جریان هجرت پیامبر ﷺ کاملاً مشهود بود و همچنین در کلام امام علی علیه السلام آمده است: «حُسْنُ التَّدْبِيرِ يَنْمِي قَلِيلَ الْمَالِ وَ سُوءُ التَّدْبِيرِ يَفْنِي كَثِيرَهُ» (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ؛ ص ۳۵۴) برنامه‌ریزی موجب سعادت و اداره درست داشته‌ها است و باعث دوری از پشیمانی، کلید برای تصمیم، آماده بودن در برابر مشکلات و ... می‌شود.

۲. سازماندهی

برای این عنوان می‌توان از تعبیر برقراری نظم هم استفاده کرد زیرا سازماندهی فرآیندی است که در آن با تقسیم کار میان افراد و ایجاد هماهنگی میان آنها، برای کسب اهداف تلاش می‌شود. حتی در برخی موارد بعض افراد مناسب یک عهده دیگر هستند و با تقسیم صحیح می‌توان افراد با صلاحیت را در جای خود مشغول به کار کرد و در تعالیم اسلامی بر این اساس بسیار عمل نیز شده است چنان که خداوند در قرآن فرمود: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ» (سوره انعام، آیه ۱۶۵) یکی از نمودهای سازماندهی، گزینش و بکارگیری افراد درستکار و شایسته است. حضرت علی علیه السلام در نامه ای خطاب به مالک اشتر ملاکهای گزینش کارگزاران را بیان می‌فرماید، از جمله اصالت مذهبی و خانوادگی، تقوا، شرم، حیا و حزم. (سید محمود سیاهپوش، ۱۳۶۴ش، ص ۱۱۱)، این‌ها بیانگر

نقش و اهمیت سازماندهی در تعالیم اسلامی است و رهبر آموزشی نیز باید در سازمان آموزشی این موارد را رعایت کند.

۳. هدایت و راهنمایی

برای رسیدن به اهداف اگر فردی در نقش راهنما و هدایتگری باشد، در روند رسیدن به اهداف و شکوفایی استعداد و توانایی‌های افراد سازمان، سرعت بهتر و بیشتری مشاهده خواهد شد حتی رهبران الهی برای رساندن مردم به هدف نهایی، نقش هدایتگری و راهنمایی را برعهده داشتند، لذا آموزه‌های اسلامی رهبر یک سازمان را بیش از این که حاکم بداند، هادی می‌داند و این زمانی ممکن است که رهبری آمیخته با هدایت و راهنمایی باشد. تعالیم اسلامی برای نقش هدایت‌گری اهمیت بسزایی قائل هستند و در کلامی از پیامبر ﷺ آمده است: «من دعا إلى هدى كان له من الأجر مثل أجور من تبعه لا ينقص ذلك من أجورهم شيئا» (پاینده، ابو القاسم، ۱۳۸۲ ش، ص ۷۵۳). هر کسی به هدایتی دعوت کند پاداش وی چون پاداش همه کسانی است که پیروی آن کنند و از پاداش آنها چیزی نمی‌کاهد. اسلام برای هدایتگری منزلت و مرتبه‌ی خاصی در نظر گرفته است که بیانگر اهمیت آن است.

۴. نظارت و مراقبت

از وظیفه چهارم با عنوان کنترل نیز یاد می‌شود، وظیفه رهبر، توجه به فعالیتهای افراد و پیگیری است تا با اعمال اصلاحات، نتایجی مطلوبی را بدست آورد. رهبر یک سازمان آموزشی از چندین طریق می‌تواند این عمل را انجام دهد اولاً هر فردی در سازمان با تعهد و وظیفه شناسی سعی می‌کند خود بر رفتار خود کنترل کند، ثانیاً رهبر یک سازمان باید بر فعالیتهای افراد خود کنترل داشته باشد تا با سوء استفاده از قدرتی که رهبر به آنها داده، ستم نکنند چنان که امام علی علیه السلام خصوصیات لازم را جهت انتخاب بازرسان، برای مالک مشتریان می‌کند: «و ابعث العيون من اهل الصدق و الوفاء عليهم» (همان: ۱۳۷) بر آنها بازرسان و کنترل کنندگانی بگمار که به تو وفادار و راستگو باشند. (غلامرضا اشرف سمنانی، ۱۳۶۴، ص ۱۶۳)

بر اساس معارف اسلامی رهبران از طرق مختلف توان رصد و نظارت افراد سازمان را دارند

که در این بخش به دو نمونه: درونی که هر فرد عهده دارد نظارت بر فعالیت خود بود و بیرونی که از طریق گماردن افرادی می‌توان بر فعالیتهای افراد سازمان نظارت داشت.

۵. تصمیم‌گیری بر اساس تعالیم اسلامی

متخصصان تربیت معتقد هستند که یک رهبر براساس تصمیماتی که گرفته است ارزیابی می‌شود، تصمیمات درست، سازمان را نظم داده و حرکت به سوی اهداف را به ارمغان می‌آورد، امام علی علیه السلام نیز فرمود: «إِذَا اقْتَرَنَ الْعَزْمُ بِالْحَزْمِ كَمَلَتِ السَّعَادَةُ» (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۴۷۴) هنگامی که تصمیم با دقت همراه شود، سعادت کامل می‌شود.

معارف اسلامی، بهترین تصمیم را تصمیم‌گیری می‌دانند که برگرفته از مشورت و نظرخواهی دیگران باشد پس رهبر در سازمان آموزشی قبل از تصمیم باید به جمع‌آوری آراء پردازد و بعد از تضارب آراء، تصمیم‌گیری نهایی را خودش انجام دهد تا با این تصمیم‌گیری مشورتی مزایا و قوت تصمیم‌گیری فردی و گروهی را اخذ کرده از مشکل کمتری برخوردار بشود: «و شاورهم فی الأمرِ فإذا عزمْتَ فتوکلْ علی الله». (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹) از طرفی همین آیه بیانگر این است که در رهبر در تصمیم‌گیری باید سعی کنید با توکل بر خدا یک تصمیم قاطع و ثابت بگیرد و این منجر به اتخاذ تصمیمی می‌شود که موفق و موثر باشد.

نتیجه

در پژوهش حاضر رهبری آموزشی در سازمان آموزشی از منظر اسلامی، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در اولین گام باید اصولی که بر اساس تعالیم اسلامی، یک رهبر مستلزم بود آن را رعایت کند، معین شد که این اصول عبارت بود از و دیدگاه اسلام در قالب روایات و آیات قرآن ذکر شد. پس از آن نوبت به تعیین ویژگی‌ها و صفات یک رهبر از منظر اسلام مورد کنکاش قرار گرفت. در ادامه بر اساس آموزه‌های اسلامی، وظیفه یک رهبر تبیین گردید. با نگاهی به آموزه‌های اسلامی می‌توان این نتیجه را اخذ کرد که رهبری در سازمان، شاید یک اصطلاحی باشد که در علوم روز به کار می‌رود ولی روشی است که در همان صدر اسلام به آن اهمیت بسیار زیادی داده شده و بالاترین مصداق آن همان ولایت است که اعلام ولایت

امام علی علیه السلام، خداوند می فرماید دین کامل شده است و این که چرا با بیان احکام الهی دین به تکامل نرسید بلکه با اعلام رهبری دین کامل شد بیانگر اهمیت آن است.

رهبری آموزشی در حقیقت همان رهبری است با این تفاوت که اهداف این سازمان باید برای تعلیم و تربیت باشد، تعالیم اسلامی معمولاً بیانگر برنامه‌های استراتژیک هستند و این مسلمانان هستند که با تغییر تاکتیک سعی در اجرای استراتژیک‌ها هستند، آیات و روایات تمام امور لازم برای رهبری در یک جامعه و یا سازمان را بیان کردند و مکلف باید این امور را در رهبری آموزشی پیاده کند.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن اسحاق، محمد، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام تاریخ الإسلام بالرسوم، دار المعرفة، پاریس، چاپ اول، بی تا.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ق.

احمدی میانجی، علی، مکاتیب الأئمة علیهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۲۶ق.

اشرف سمنانی، غلامرضا، تحلیلی از مدیریت اسلامی، تهران، بعثت، اول، ۱۳۶۴ش.

پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، تهران، چهارم، ۱۳۸۲ش.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۰ق.

جاسبی، عبدالله. (۱۳۷۳). اصول و مبانی مدیریت. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

سیاهپوش، سید محمود، سیری کوتاه در مدیریت اسلامی، تهران، نشر دفتر مرکزی جهاد، ۱۳۶۴ش.

شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبحی صالح) - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ق.

شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار (لشعیری) - نجف، چاپ: اول، بی تا.

صدر، شهید، سید محمد، ما وراء الفقه، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۲۰ ه ق.

طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی قم، ۱۴۱۷ق.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام - قم، چاپ: دوم، ۱۳۸۵ق.

علاقه بند، علی. (۱۳۸۴). مدیریت عمومی. تهران: نشر روان.

فرنچ، وندال؛ اچ بل، سیسیل. (۱۳۸۲). مدیریت تحول در سازمان. مهدی الوانی و حسن دانایی فرد.

کیمبل وایلز، مدیریت و رهبری آموزشی، ترجمه دکتر محمد علی طوسی، بازتاب، اول، ۱۳۸۴ش.

مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی - الأصول و الروضة (للمولی صالح المازندرانی)

- تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۲ ق.

محمود. محمد علی، مقومات القائد الناجح، دار المجتمع للنشر والتوزيع، جدة، ۲۰۰۲ م.

مکارم شیرازی، ناصر، مدیریت و فرماندهی در اسلام، نسل جوان، قم، دوازدهم، ۱۳۸۹ ش.

نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل - قم، چاپ: اول،

۱۴۰۸ ق.

ولی، محمد عبد العزيز، الأدب النبوی، دار الكتب العلمية، بیروت، چاپ اول، بی تا.

